

ارزیابی جایگاه مشارکت ذی‌نفعان محلی در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه روستایی (مورد مطالعه: نقاط روستایی جنوب و جنوب شرق استان تهران)^۱ ناصر شفیع‌ی ثابت^۲

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

نگین سادات میرواحدی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۱ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

چکیده

توجه به مقوله مشارکت ذی‌نفعان محلی از مهم‌ترین مقوله‌ای است که در فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه موردتوجه ویژه قرار گرفته است. بر این شالوده هدف تحقیق حاضر بررسی جایگاه مشارکت ذی‌نفعان محلی در برنامه‌ریزی روستایی با توجه به رویکرد حاکم بر آن می‌باشد. تحقیق حاضر به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی و از بعد گستره موردی می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه در حجم نمونه ۵۴ روستا و تعداد ۳۱ کارشناس با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که مشارکت و شکل‌سازی در ناحیه در حد مطلوب نیست. هرچه برنامه‌ریزی بدون مشارکت جامعه انجام شود منجر به ارتقای سطح توسعه نمی‌شود. آزمون «من - ویتنی - یو» نشان داد تفاوت معنی‌داری بین نظرات دو گروه پاسخگویان حاصل نشده است که نشان‌دهنده توافق نظر این دو گروه درباره کم‌توجهی به مشارکت و شکل‌سازی در برنامه‌ریزی ناحیه مورد مطالعه بوده است. باید در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها با جامعه محلی مشورت صورت گیرد، ارتباط بین مدیران و برنامه‌ریزان با دهیاری و شورای اسلامی برای مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌ها برقرار شود. زمینه تعامل و مشارکت کارشناسان با روستاییان در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی فراهم گردد، قوانین مناسب برای جلب نظر و تضمین مشارکت عمومی و جمعی تدوین گردد. ذی‌نفعان محلی در تصمیم‌گیری‌های مختلف، تدوین برنامه‌ها و اجرای طرح‌ها و شراکت در منافع حاصل از آن‌ها دخالت داده شوند.

واژگان کلیدی: مشارکت، برنامه‌ریزی، توسعه روستایی، جنوب استان تهران.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد پژوهشگر با عنوان «تبیین الگوی بهینه برنامه‌ریزی توسعه سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر تهران (مطالعه موردی: شهرستان‌های پاکدشت و ری)» به راهنمایی دکتر ناصر شفیع‌ی ثابت می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) n_shafiei@sbu.ac.ir

مقدمه

بر اساس ادبیات و متون توسعه تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، رویکرد عقلایی گرای فنی محور بر برنامه‌ریزی غلبه داشت. بر این مبنای، برنامه‌ریزی متخصص محور، با اتکا بر دانش فنی برنامه‌ریزان و ابزارها و روش‌های علمی صورت می‌گرفت. انجام مراحل برنامه‌ریزی توسعه بر اساس این رویکرد، که در بسیاری از کشورها همچون ایران رایج است، چالش‌های فراوانی را در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه کانون‌های روستایی و شهری این کشورها ایجاد می‌کند. زیرا، شالوده این رویکرد بر انجام کلیه مراحل برنامه‌ریزی با اصالت «برنامه‌ریزان فن گرا»^۱ است و به مردم و ذینفعان محلی توسعه تنها به‌مثابه مرجع کسب اطلاعات ضروری توجه می‌شود (Healey, 2004: 103)؛ از آنجایی که الگوی برنامه‌ریزی توسعه، متناسب با ارزش‌ها، هنجارها و ویژگی نظام اجتماعی-اقتصادی و سیاسی هر جامعه‌ای طراحی می‌شود و شکل می‌پذیرد (McDonough et al, 2009: 3). برای جهت‌یابی برنامه‌ریزی توسعه روستایی-شهری به سمت پایداری اجتماعی-اقتصادی و فرآیند توسعه پایدار (Rega, 2014: 2). توجه به مقوله مشارکت ذینفعان محلی کانون‌های جمعیتی در فرآیند انجام و عمل برنامه‌ریزی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در فرآیند برنامه‌ریزی‌های توسعه موردتوجه ویژه قرار گرفته است (Martinsen, 2015: 306)؛ به‌طوری‌که مشارکت نهادهای غیردولتی و مشارکت سایر بازیگران در برنامه‌ریزی‌های توسعه موجب یکپارچگی افقی و عمودی می‌شود؛ اما به دلایل مختلف در برخی از کشورها، اهمیت به‌کارگیری این مؤلفه‌ها در فرآیند عمل برنامه‌ریزی و در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی-اقتصادی و ملی نادیده گرفته می‌شود؛ و در واقع، بی‌توجهی و غفلت به برنامه‌ریزی متناسب با مشارکت عمومی، آثار منفی اجرای برنامه‌ریزی را بیشتر می‌سازد. از آنجاکه وجود این مشارکت‌ها موجب بهبود ابعاد و شاخص‌های توسعه پایدار، راه‌حلی برای خروج از فقر، افزایش نیروی کار در مناطق روستایی و نقش مهمی در فرآیندهای تجاری، درآمدزایی و اشتغال‌بازی می‌کند (Akkoyunlu, 2013: 5). بی‌توجهی به این‌گونه برنامه‌ریزی و غفلت از مشارکت سازمان‌های مردمی و یکپارچگی عمودی و افقی در برنامه‌ریزی‌ها (Draft Louth County Development Plan, 2015: 4) نیز توسعه را در ابعاد مختلف در سکونتگاه‌های روستایی و شهری تحت تأثیر قرار می‌دهد. مزایای مشارکت گسترده جامعه در برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌ها عبارت‌اند از: افزایش ظرفیت ذینفعان محلی توسعه به ایجاد حسی قوی از تعهد، بالا رفتن رضایت آن‌ها، ایجاد انتظارات واقع‌بینانه از نتایج برنامه‌ها و در نهایت اعتماد است (Al-Kodmany, 1999: 37)؛ اما، باوجود تحولات گسترده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی در کشور و به‌تبع آن افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی، وضعیت برنامه‌ریزی شهری و روستایی در ایران و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر تهران تغییر چندانی نکرده است و طرح‌ها همچنان بر همان سبک و سیاق گذشته تهیه می‌شوند. درحالی‌که در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی کشور و به ویژه در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر تهران، توجه به توانمندسازی و مشارکت گروه‌های

¹ Technicalist

مختلف اجتماعی برای ارتقاء شاخص‌های توسعه این گونه سکونتگاه‌ها، اهمیت و ضرورت اساسی دارد. برای دستیابی به چنین هدفی پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤال‌های زیر می‌باشد:

۱- جایگاه مشارکت و تشکل سازی ذینفعان محلی توسعه در فرآیند برنامه‌ریزی روستایی (از تصمیم سازی تا اجرا و پایش) چگونه است؟

۲- آیا رابطه معنی‌داری بین برنامه‌ریزی با رویکرد متخصص محور با سطح توسعه یافتگی روستاها وجود دارد؟

مبانی نظری

توسعه روستایی، در گذر زمان با توجه به تحولات علمی، اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی از بعد تفسیر مفهومی اندیشه‌ای و تجربه‌ای از تحولات تکاملی برخوردار گردید تا جایی که این تغییرات تفسیری و کارکردی در مفهوم نخستین آن یعنی گذار از وضعیتی به وضعیت دیگر به تفسیرهای بعدی مفهوم آن یعنی آشکار کردن توان‌های بالقوه انسان و مکان‌ها تکامل یافته است و از تک سبب بینی و تک نظامی، به چند نظامی و از خطی به غیرخطی و از برون‌زا به درون‌زا و از بالا به پایین به؛ پایین به بالا و از اوزالیدی به غیر اوزالیدی و توجه به مردم و فضای زیست مردم و از دخالت همه‌جانبه بیرونی به تسهیل‌گری بیرونی و از نگاه سخت‌افزاری به نرم‌افزاری تغییر یافته است. بدین معنی که در هر دوره‌ای از تاریخ توسعه با غالب شدن جریان فکری، مفاهیم هفت‌گانه در گذار از وضعی به وضع دیگر (تغییر، تحول، پیشرفت، انطباق، روشن کردن، آشکار و ظاهر کردن) تفسیر و تغییری متناسب با آن جریان فکری داشته است تا جایی که توسعه روستایی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ معادل «نوسازی» در دهه ۱۹۷۰، معادل «توسعه ساختاری با حداکثر دخالت دولت»، در دهه ۱۹۸۰ معادل «توسعه تعدیل ساختاری با جهت‌گیری بازار آزاد و دخالت حداقل دولت» و در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، هزاره سوم، توسعه معادل «مشارکت، نهادسازی، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی و مردم‌گرایی در چارچوب توسعه پایدار روستایی» قلمداد شده است (Ellis & Biggs, 2001: 437). تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار به‌عنوان فرآیند پیچیده، جامع و چندبعدی که به‌جز رشد اقتصادی، دیگر ابعاد (اکولوژیکی و اجتماعی) و همه نیروهای یک اجتماع را شامل می‌شود و همه مردم انتظار دخیل شدن در آن و بهره‌مند شدن از مواهب آن را دارند، مستلزم برنامه‌ریزی اصولی و اثرگذاری است که دربردارنده فرآیند تعاملی میان نیروهای مؤثر و بهره‌گیرنده از توسعه، رویکرد ترکیبی پایین به بالا و بالا به پایین، نگرش محلی، توانمندسازی و جوشش از پایین جامعه هدف، انتقال دانش، تجربه و مشارکت مؤثر جامعه در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه است.

هم‌زمان با تکامل و اصلاح نگرش به مفهوم توسعه، اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه، اهمیت بیشتری یافته است و در بسیاری از جوامع به یکی از ویژگی‌های اصلی ساخت و اجرای سیاست‌های دولت‌ها تبدیل شده است (Lane, 2005: 283) به‌عبارت‌دیگر، تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از این جهت است که توسعه، بیش از همه بر انگیزش و یادگیری متکی است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد؛ بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه، به‌طورجدی به دموکراسی در اهداف و روش‌ها وابسته خواهد بود. برنامه‌های ملی، مسئولیت مشترک سازمان‌ها و نهادهایی است که بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر، هر چه مشارکت مردم عادی و گروه‌های ذینفع؛ از قبیل نهادهای صنفی یا احزاب سیاسی در تهیه و اجرای برنامه‌ها افزایش یابد، برنامه‌ریزی آن‌ها

معنادارتر است؛ بر این اساس، نظام برنامه‌ریزی توسعه باید به گونه‌های طراحی شود که حجم گسترده‌ای از مشارکت را در کلیه سطوح داشته باشد. مشارکت موردنظر، تنها به دوره طراحی برنامه مربوط نمی‌شود؛ بلکه همه مراحل مطالعات، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، تأمین منابع، اجرا، نظارت و ارزشیابی را در برمی‌گیرد (مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۳۵).

در واقع واژه مشارکت در دهه‌های اخیر برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ با به عرصه ظهور گذاشت (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰: ۳۷). در این زمینه طیف گسترده‌ای از تعاریف مطرح می‌باشد از جمله: ایجاد علاقه‌مندی بیشتر در مردم به برنامه‌های توسعه و تشویق ابتکار محلی و کمک به خود، به‌طور فعال در گیرکردن مردم در روند تصمیم‌گیری با توجه به توسعه آن‌ها، سازمان‌دهی عمل گروه‌های محروم برای کنترل بر منابع، دسترسی به خدمات، بالا بردن قدرت چانه‌زنی آن‌ها، ترویج مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و همچنین مشارکت در منافع خود، به‌طورکلی دخالت تعداد قابل‌توجهی از افراد در شرایط و یا اقداماتی که رفاه آن‌ها افزایش یافته مانند درآمد، امنیت و عزت‌نفس (Harriet, 2013: 96).

رواج این واژه در پی آن بود که بیشتر شکست‌های طرح‌های توسعه، به فقدان مشارکت مردم در فرآیند طراحی و اجرای این طرح‌ها نسبت داده شد. توسعه بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ به‌عنوان یک مفهوم کلیدی و به‌صورت گسترده‌ای در ادبیات توسعه مطرح شد. از شروع سال ۱۹۷۰ دولت‌های درحال توسعه به این مسئله واقف شده و توافق دارند که مشارکت در برنامه‌ریزی‌های توسعه ضروری است. بر اساس این نظریات مردم حق‌دارند در امور توسعه و کنترل محیط خود و به دست آوردن رفاه بیشتر مشارکت داشته باشند (World Bank, 1994: 4).

مشارکت به‌عنوان فرآیند دخالت کردن مردم به‌منظور تأثیرگذاری آن‌ها بر نتایج و دستاوردهای طرح‌ها و برنامه‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود (CIS, 2003: 12). همچنین برنامه‌ریزی توسعه روستایی فرآیندی هدفمند و با مشارکت روستاییان بوده که نتیجه آن تحقق توسعه همه‌جانبه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی خواهد بود. در ذیل بحث سرمایه اجتماعی مشارکت و توسعه مشارکت به‌عنوان یکی ابعاد مهم آن مطرح می‌باشد. توسعه مشارکتی به‌منزله شراکتی است که مبتنی بر گفتگو میان بازیگران مختلف است تا از این رهگذر دستور کار به‌طور مشترک تعیین شود و نظرات افراد محلی و دانش بومی آگاهانه طلب گردد و محترم باشد. این امر بیشتر مبین مذاکره است تا سیطره دستور کار پروژه‌ای که در بیرون وضع شده باشد؛ بنابراین، مردم به‌جای اینکه بهره‌ور باشند به بازیگر بدل می‌شوند (OECD, 2001) در تعریف دیگر آمده: توسعه مشارکتی بر تواناسازی مردم و استفاده از آن در برنامه‌ریزی و عمل تأکید می‌شود. دو هدف عمده رهیافت متفاوت برای رواج توسعه مشارکتی:

الف) رهیافت مشارکت به‌منزله وسیله: در این رهیافت، مشارکت فرآیندی است که به‌موجب آن افراد محلی با طرح‌ها و پروژه‌های عرضه‌شده از بیرون همکاری یا همراهی می‌کنند، به‌این‌ترتیب، مشارکت به وسیله‌ای تبدیل می‌شود که به کمک آن این ابتکار را می‌توان به‌طور مؤثرتری اجرا کرد. مشارکت مردم موردحمایت یک کارگزار بیرونی قرار می‌گیرد و ابزاری برای پشتیبان باز پیشرفت طرح یا پروژه تلقی می‌شود. کاربرد اصطلاح توسعه مشارکتی برای توصیف این رهیافت متداول‌تر است. این‌گونه توسعه مبین فعالیت‌های توسعه طراحی‌شده از بیرون

است که به شیوه‌ای مشارکتی به اجرا درمی‌آیند. این رهیافت کاملاً رایج است و اساساً مشارکت را به‌عنوان وسیله‌ای برای تضمین نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز فعالیت‌های انجام‌شده ارتقا می‌بخشد.

ب) رهیافت مشارکت به‌منزله هدف: در این رهیافت، مشارکت به‌خودی‌خود هدف تلقی می‌شود، این هدف ممکن است به‌صورت توانمندسازی مردم در قالب کسب مهارت‌ها، دانش و تجربه به‌منظور بر عهده گرفتن مسئولیت بیشتر برای توسعه جلوه‌گری کند فقر مردم اغلب برحسب محرومیت و فقدان دسترسی‌شان به منابع و کنترل آن‌ها تبیین می‌گردد، منابعی که آنان برای بقا و بهبود زندگی خود به آن‌ها نیاز دارند. در این رهیافت مشارکت ابزار تغییر است و می‌تواند به از بین بردن محرومیت و فراهم کردن مبنایی برای فقرا، جهت دخالت مستقیم‌تر در ابتکارهای توسعه کمک کند. اصطلاح «مشارکت توسعه‌ای» برای این رهیافت متداول‌تر است (اوکلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۷).

دیدگاه‌های مشارکت در برنامه‌ریزی اصولاً از نظریه‌های مختلف در خصوص ساختار و عملکرد حکومت‌های محلی به‌طور اخص و از نظریه‌های مختلف در زمینه مشارکت کارگری به‌طور اعم نشأت می‌گیرد. تکوین و توسعه جامعه مدنی در گرو فرآیند درونی کردن و نهادینه‌سازی مشارکت مردمی می‌باشد و راهبردهای افزایش مشارکت در سه فرآیند درونی کردن ارزش‌های مشارکت، نهادینه‌سازی و کاهش اختلافات اجتماعی، تکوین جامعه مدنی از طریق شکل‌گیری اتحادیه‌ها و سندیکاها و اصناف (دانشمند و نظریان، ۱۳۸۹: ۱۱۳). دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را می‌توان به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از نظریه همراه ساختن، مشورتی، یادگیری اجتماعی، قدرت جامعه (رجبی، ۱۳۹۰: ۵).

برنامه‌ریزی مشارکتی مجموعه‌ای از فرآیندهایی است که از طریق آن گروه‌ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند تا برای تهیه یک برنامه و نحوه‌ی انجام آن به توافق برسند. برنامه‌ریزی مشارکتی می‌تواند توسط هریک از طرفین آغاز شود. چگونگی برنامه‌ریزی مشارکتی و جداول زمانی مربوطه باید در جریان مذاکره موردتوافق کلیه افراد و گروه‌ها قرار گیرد.

برنامه‌ریزی مشارکتی بر اصول ذیل مبتنی است:

- جامعه متکثر است؛
- در جامعه بین منافع افراد تضادهای مشروعی وجود دارد؛
- قدرتمندی فرد یا گروهی نباید منجر به تحمیل نظر آن‌ها بر سایرین گردد؛
- طرف‌های درگیر، باید برای تکمیل اطلاعات یکدیگر به تبادل اطلاعات باهم پرداخته و از این طریق بکوشند با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شده و تعارضات را کاهش دهند؛

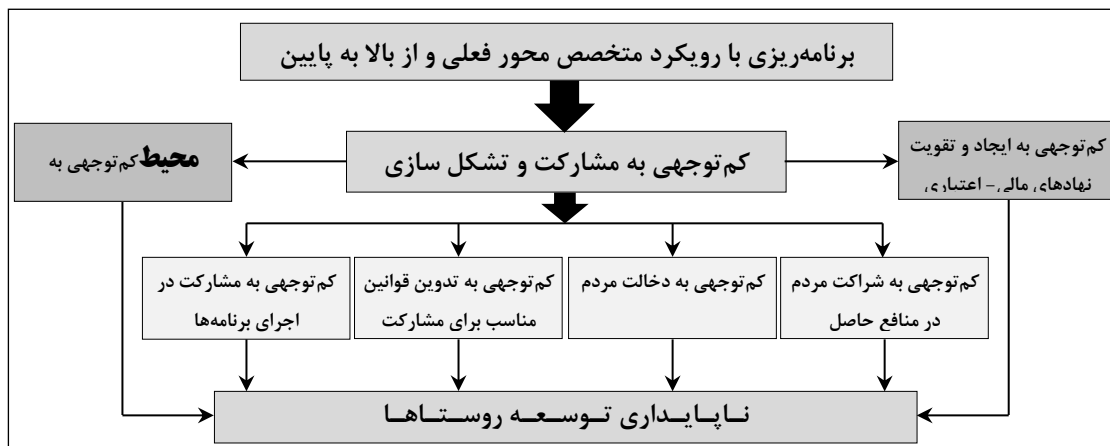
• هیچ فرد یا گروهی در جریان دستیابی به توافق نباید کنار گذاشته شود؛ (محمدی، ۱۳۹۲: ۴۹).

برنامه‌ریزی دارای مراحل و فرایندهای گوناگونی است که طرفداران برنامه‌ریزی مشارکتی بر این عقیده هستند که شرط مشارکت فعال و پایدار شرکت سطوح پائین برنامه‌ریزی در تمامی فرایندهای برنامه‌ریزی است. بنابراین چنانچه بخواهیم انواع مشارکت را برحسب فرآیند برنامه‌ریزی ذکر نماییم، در این نوع از مشارکت به چند نوع برخورد می‌کنیم که عبارت‌اند از:

۱. مشارکت در تصمیم‌گیری؛

۲. مشارکت در اجرا؛

۳. مشارکت در بهره‌برداری و نگهداری (همان: ۴۹).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵)

پیشینه

پژوهش موحد و همکاران^۱ با عنوان «ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت ذی‌نفعان در پروژه فاداما» سال ۲۰۱۱ نتیجه می‌گیرد که بخش زیادی از ذی‌نفعان در شناسایی مشکلات مشارکت داشتند، مشارکت زنان در پروژه کم بوده است، سطح تحصیلات و عضویت در تعاونی‌ها سطح مشارکت مردم را تحت تأثیر قرار داده است همچنین اندازه خانواده یک عامل مثبت در اثرگذاری بر مشارکت تلقی شده است (Muhammad et al., 2011) هریت و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «سطح مشارکت ذی‌نفعان در برنامه‌ریزی راهبردی آموزش مطالعه موردی: سالگا غنا» به این نتیجه رسیدند که سطح مشارکت ذی‌نفعان در برنامه‌های توسعه صورت گرفته پایین است و مسئولان در برنامه‌ریزی و اجرا با ذی‌نفعان تشریک‌مساعی داشته باشند و کیفیت آموزش در این ناحیه ارتقا می‌یابد Harriet et al, 2013).

مقاله «نقش فعال ذی‌نفعان در اجرای برنامه جامع توسعه روستایی در آفریقای جنوبی» سال ۲۰۱۳ توسط اوبادیر و همکاران^۳ به این نتیجه رسید که مشارکت ذی‌نفعان از عوامل کلیدی موفقیت یا ناکامی برنامه جامع توسعه و اجرای آن در آفریقا می‌باشد (Obadire et al, 2013).

پژوهش عزیز و همکاران^۴ سال ۲۰۱۴ با عنوان «مشارکت ذی‌نفعان در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه در ییلوکروبو»^۵ به این نتیجه رسیده که ارتباطات ضعیف، غفلت از اهمیت برنامه‌ریزی، سیاست‌های حزبی، پاسخگویی ناکافی، بوروکراسی بیش‌ازحد از عوامل کلیدی در برابر درگیرکردن جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری اثرگذار است (Azizu, 2014).

¹ Muhammad

² Harriet

³ Obadire

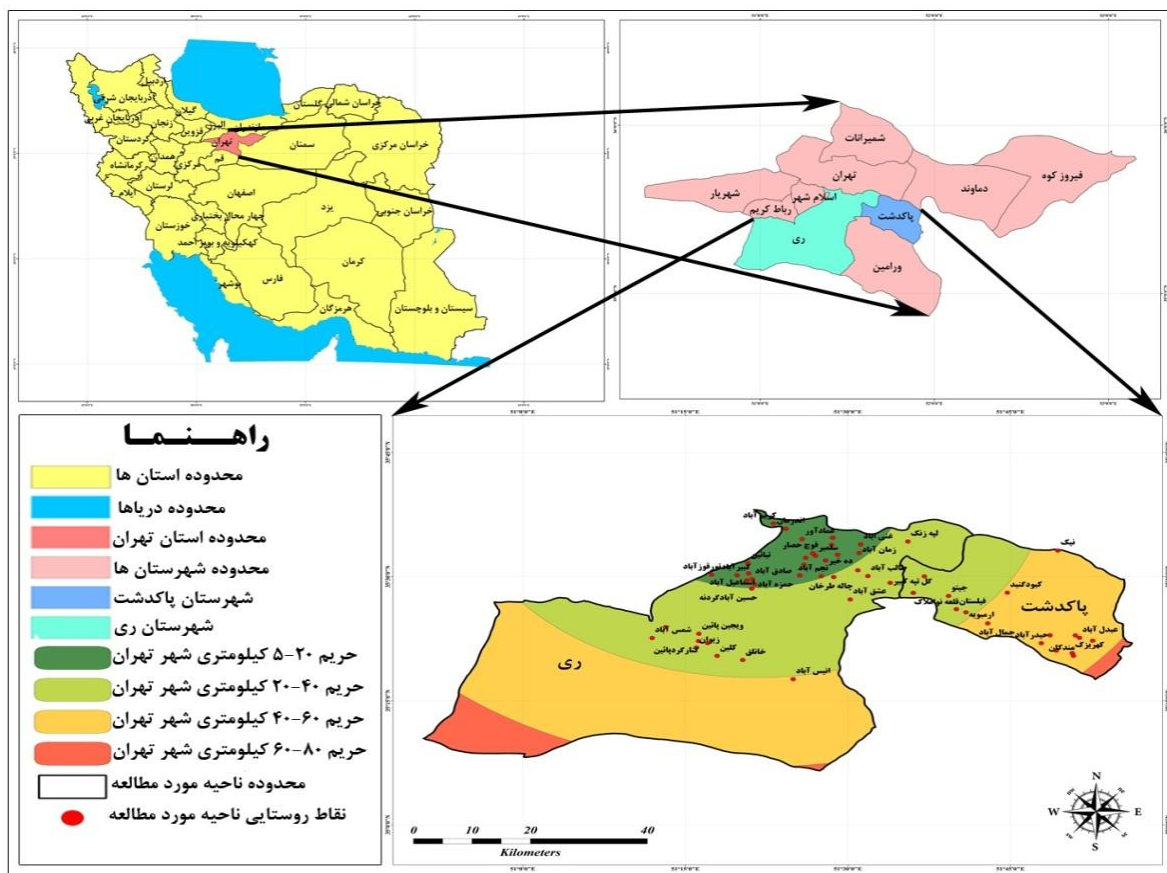
⁴ Azizu

⁵ Yilo Krobo

در تحقیقی با عنوان «وضعیت و جایگاه مشارکت و عوامل مؤثر بر آن در برنامه‌ریزی روستایی مطالعه موردی؛ جمعیت روستایی شهرستان بوکان» از حسن پور بغده کندی (۱۳۹۱) این نتایج به دست آمد که رابطه بین متغیرهای مستقل میزان آگاهی از ضرورت اجرای طرح‌های توسعه روستایی، آگاهی از اثرات مثبت طرح‌های توسعه روستایی، ارزیابی مثبت از فواید امکانات عمرانی روستا با وضعیت مشارکتی مردم در طرح‌های توسعه روستایی در سطح بالایی دارای رابطه معنی‌دار بوده است. ایمانی و همکاران (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان «مشارکت مردمی در فرآیند برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی و کشاورزی» به این نتیجه رسیده‌اند که برای رسیدن به اهداف توسعه ایجاد مشارکت در برنامه‌های توسعه روستایی ضروری است برای ایجاد مشارکت مردمی مطلوب در رابطه با برنامه‌های توسعه روستایی (تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا) آموزش مردم، سازمان‌دهی و نظم بخشیدن به آن‌ها ضروری است.

محدوده مورد مطالعه

سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه در شهرستان‌های پاکدشت و ری از لحاظ موقعیت ریاضی در طول ۵۱ درجه و ۴۰ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی و در حوزه جنوب و جنوب شرق استان تهران استقرار یافته‌اند (شکل ۱). مساحت این ناحیه معادل ۲۸۷۴ کیلومتر مربع است که ۱۱/۹۴ درصد مساحت استان تهران را در برمی‌گیرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه تحقیق

منبع: نگارندگان

جدول ۱: دسته‌بندی گروه‌های جمعیتی روستاهای نمونه

شهرستان	نام روستای نمونه	تعداد خانوار	گروه جمعیتی	
پاکدشت	نیک	۵۲	کم جمعیت (۵۰ تا ۱۰۰ خانوار)	
	مندکان	۷۵	کم جمعیت	
	کهریزک	۷۸	کم جمعیت	
	عباس‌آباد	۵۹	کم جمعیت	
	حصار مهتر	۵۵	کم جمعیت	
	حیدرآباد	۶۷	کم جمعیت	
	کیود گنبد	۲۸۳	متوسط جمعیت (۱۰۰ تا ۵۰۰ خانوار)	
	عبدل‌آباد	۱۳۴	متوسط جمعیت	
	قشلاق فرون‌آباد	۱۷۸	متوسط جمعیت	
	ارمبویه	۴۸۱	متوسط جمعیت	
	قشلاق کریم‌آباد	۲۲۵	متوسط جمعیت	
	قرمز تپه	۳۴۲	متوسط جمعیت	
	جمال‌آباد	۵۵۴	پر جمعیت (بالای ۵۰۰ خانوار)	
	چیتو	۶۸۴	پر جمعیت	
	قلعه‌نو	۸۰۱	پر جمعیت	
	ابراهیم‌آباد	۵۹۴	پر جمعیت	
	کریم‌آباد	۶۱۸	پر جمعیت	
	فیلسنان	۱۲۵۸	پر جمعیت	
	ری	ویچین پایین	۶۶	کم جمعیت (۵۰ تا ۱۰۰ خانوار)
		نجم‌آباد	۹۲	کم جمعیت
اسماعیل‌آباد		۶۸	کم جمعیت	
اسماعیل‌آباد معین		۸۷	کم جمعیت	
عظیم‌آباد		۹۵	کم جمعیت	
اندرمان		۹۷	کم جمعیت	
حسین‌آباد گردنه		۵۰	کم جمعیت	
کبیر آباد		۸۴	کم جمعیت	
حمزه‌آباد		۱۰۰	کم جمعیت	
قلعه‌نو فشاپویه		۹۹	کم جمعیت	
کنار گرد پایین		۵۸	کم جمعیت	
لپه زنک		۱۰۰	کم جمعیت	
کلین		۱۵۸	متوسط جمعیت (۱۰۰ تا ۵۰۰ خانوار)	
خانلق		۱۴۵	متوسط جمعیت	
چاله طرخان		۱۹۵	متوسط جمعیت	
عشق‌آباد		۳۳۳	متوسط جمعیت	
گلی کبیر تپه		۲۸۶	متوسط جمعیت	
ده خیر		۶۷۰	متوسط جمعیت	
زیروان		۲۲۲	متوسط جمعیت	
صادق‌آباد		۲۴۳	متوسط جمعیت	
عماد آور		۱۸۸	متوسط جمعیت	
تباثین		۳۵۸	متوسط جمعیت	
غنی‌آباد		۴۱۸	متوسط جمعیت	
درسون‌آباد		۲۷۱	متوسط جمعیت	
ابراهیم‌آباد		۷۸۳	پر جمعیت (بالای ۵۰۰ خانوار)	
زمان‌آباد		۸۶۳	پر جمعیت	
اسلام‌آباد		۲۸۰۴	پر جمعیت	
ترفوز‌آباد		۷۸۰	پر جمعیت	
طالب‌آباد		۷۱۰	پر جمعیت	
قلعه‌نو خالصه		۱۴۷۶	پر جمعیت	
قوج حصار	۱۱۵۴	پر جمعیت		
سلمیر	۷۹۶	پر جمعیت		
انیس‌آباد	۸۸۴	پر جمعیت		
شور‌آباد	۶۲۸	پر جمعیت		
فیروز‌آباد	۲۴۱۶	پر جمعیت		
شمس‌آباد	۹۵۹	پر جمعیت		

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

مواد و روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی و از بعد گستره موردی می‌باشد. در ارتباط با شیوه گردآوری اطلاعات نیز از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شد. برای دستیابی به اهداف و آزمون فرضیه‌های تحقیق در مرحله‌ی نخست از تکنیک «دلفی» و «مصاحبه گروهی»^۱ در سطح مدیران و کارشناسان خبره سازمان‌ها و نهادهای مرتبط از جمله وزارت جهاد کشاورزی، سازمان جهاد کشاورزی استان تهران، بنیاد مسکن کل کشور و استان تهران استفاده شد. برای این منظور تعداد ۳۰+۱ پرسشنامه در ابعاد گوناگون موضوع پژوهش تکمیل شد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر مجموع ۱۲۴ روستا در دو شهرستان پیرامون کلان‌شهر تهران، یعنی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان‌های پاکدشت و ری می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه تصادفی برای تکمیل پرسشنامه مسئولین و مطلعین محلی در سطح روستا، در مرحله اول، از طریق فرمول کوکران و فرمول تعدیل آن برای جامعه آماری کوچک، با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی ۰/۰۵ و پیش برآورد واریانس $S^2=0/25$ حجم نمونه برابر (n= ۵۴) می‌باشد. سپس در مرحله‌ی دوم، روستاهای هر شهرستان بر اساس سه گروه کم‌جمعیت (۵۰-۱۰۰ خانوار)، متوسط جمعیت (۱۰۰-۵۰۰ خانوار) و پرجمعیت (بالای ۵۰۰ خانوار)، با روش نسبت به‌اندازه (PPS^۲) تعداد نمونه به نسبت روستاهای هر شهرستان به‌صورت تصادفی انتخاب شد. در واقع انتخاب سکونتگاه‌های نمونه با در نظر گرفتن درصد توزیع آن‌ها، با استفاده از نمونه‌گیری ترکیبی تصادفی شامل نمونه‌گیری نسبی یا طبقه‌ای در مرحله اول و سپس تصادفی صورت گرفته است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های مختلف بهره گرفته شده است. بعد از جمع‌آوری داده‌ها در دو سطح (مسئولین محلی و کارشناسان)، آمارهای توصیفی و استنباطی بیان شده است. رویای صوری پرسشنامه تحقیق توسط خبرگان و متخصصان صاحب‌نظر در ارتباط با موضوع پژوهش و با اجرای نظرخواهی از آن‌ها انجام شده است. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۰۰ می‌باشد که گویایی پایایی بالای پرسشنامه پژوهش می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲: پایایی پرسشنامه پژوهش

میانگین کل داده‌ها	واریانس	انحراف استاندارد	ضریب آلفای کرونباخ
۲۸۱/۸۱	۱۸۰۹/۲۹۸	۴۲/۵۳۶	۰/۹۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

یافته‌های توصیفی

الف) ساختار سنی

توزیع فراوانی سن پاسخگویان روستایی نشان داد، میزان ۴۰/۷ درصد بین ۳۵-۲۵ سال، حدود ۳۵/۲ درصد بین ۴۶-۳۶ سال، در حدود ۲۰/۴ درصد بین ۵۷-۴۷ سال، حدود ۱/۹ درصد ۶۷-۵۷ سال و ۱/۹ درصد بالای ۶۷ سال بوده و فاصله سنی افراد مورد پرسش ۲۸ تا ۸۰ بوده است. همچنین در رابطه با توزیع سن پاسخگویان کارشناس نیز می‌توان گفت در حدود ۹/۷ درصد بین ۳۵-۲۵ سال، حدود ۳۵/۵ درصد بین ۴۶-۳۶ سال، ۴۸/۴ درصد بین ۵۷-۴۷ سال و ۶/۵ درصد بین ۶۷-۵۷ سال بوده است (جدول ۳).

^۱ Focus Group

^۲ Probability Proportional to Size

جدول ۳: توزیع فراوانی سن پاسخگویان روستایی و کارشناسان

ردیف	گروه‌بندی سنی (سال)	پاسخگویان روستایی		پاسخگویان کارشناس	
		تعداد افراد	درصد نسبی	تعداد افراد	درصد نسبی
۱	۲۵-۳۵	۲۲	۴۰/۷	۳	۹/۷
۲	۳۶-۴۶	۱۹	۳۵/۲	۱۱	۳۵/۵
۳	۴۷-۵۷	۱۱	۲۰/۴	۱۵	۴۸/۴
۴	۵۷-۶۷	۱	۱/۹	۲	۶/۵
۵	بالای ۶۷	۱	۱/۹	۰	۰
۶	جمع	۵۴	۱۰۰	۳۱	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ب) ساختار جنسی

همچنین اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه در رابطه با ساختار جنسی پاسخگویان می‌توان گفت، حدود ۳۱/۵ درصد از افراد پاسخگو در سمت دهیار یا شورای روستا را زنان و ۶۸/۵ درصد را مردان در ناحیه مورد مطالعه تشکیل می‌دهند. (جدول ۴).

جدول ۴: توزیع جنسی پاسخگویان در روستاهای مورد بررسی شهرستان‌های پاکدشت و ری و کارشناسان

ردیف	جنسیت	روستاییان		کارشناسان	
		تعداد	درصد نسبی	تعداد	درصد نسبی
۱	زن	۱۷	۳۱/۵	۱۴	۴۵/۱
۲	مرد	۳۷	۶۸/۵	۱۷	۵۴/۸
	جمع	۵۴	۱۰۰/۰	۳۱	۱۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ج) نقش روستاییان در زمینه مشارکت و نهادگرایی

در ارتباط با شاخص مشارکت و گویه‌ها و سنجه‌های مرتبط با آن بر اساس دیدگاه روستاییان میانگین برابر ۲/۳۷ و بر اساس دیدگاه کارشناسان برابر ۲/۱۳ می‌باشد همچنین نهادگرایی و شکل سازی میانگین گویه‌ها نشان می‌دهد که در سطح ضعیفی قرار دارد (جدول ۵).

جدول ۵: میانگین، واریانس و انحراف معیار وضعیت مشارکت و نهادگرایی

شاخص	روستاییان		کارشناسان		اختلاف میانگین
	میانگین	واریانس	میانگین	واریانس	
مشارکت	۲/۳۷	۰/۳۵۱	۲/۱۳	۰/۷۸۳	۰/۲۴
نهادگرایی و شکل سازی	۲/۱۹	۰/۴۱۸	۲/۲۳	۰/۵۱۴	-۰/۰۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود در ارتباط با شاخص مشارکت و نهادگرایی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این مسئله در نواحی روستایی مورد مطالعه در حد مطلوب نیستند و مدیران محلی و کارشناسان در حد کم و خیلی کم موافقت خود را در ارتباط با هر یک از گزینه‌ها اعلام داشته‌اند (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه نظرات مدیریت محلی و کارشناسان درباره مشارکت، شکل سازی و نهادگرایی در فرآیند برنامه ریزی روستایی

مشارکت	مدیریت محلی			کارشناسان		
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مشورت در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها و اولویت‌بندی بر اساس نیاز روستاییان؛	۵۴	۲/۲۰	۰/۸۳۳	۳۱	۲/۲۳	۰/۸۴۵
پایبندی مدیران و مسئولین برای مشارکت دادن روستاییان و مسئولین محلی در طرح و برنامه‌ها؛	۵۴	۲/۱۹	۰/۸۰۳	۳۱	۲/۲۶	۰/۸۷۳
برقراری ارتباط بین مدیران و برنامه‌ریزان با دهیاری و شورای اسلامی برای مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌ها؛	۵۴	۲/۲۸	۰/۸۹۹	۳۱	۲/۳۵	۰/۹۴۰
فراهم کردن زمینه تعامل و مشارکت کارشناسان با روستاییان در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی؛	۵۴	۲/۲۱	۰/۹۸۸	۳۱	۲/۳۰	۰/۹۰۰
تدوین قوانین مناسب برای جلب نظر و تضمین مشارکت عمومی و جمعی؛	۵۴	۲/۱۹	۰/۸۴۸	۳۱	۲/۲۹	۰/۸۶۴
دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف؛	۵۴	۲/۱۷	۰/۸۶۳	۳۱	۲/۱۶	۰/۹۶۹
دخالت مردم در تدوین برنامه‌ها و اجرای طرح‌ها؛	۵۴	۲/۰۶	۰/۹۴۰	۳۱	۲/۰۶	۰/۹۹۸
شراکت در منافع حاصل از طرح‌های توسعه؛	۵۴	۲/۱۹	۰/۹۷۳	۳۱	۲/۵۲	۰/۸۵۱
ارزشیابی طرح‌ها و برنامه‌ها؛	۵۴	۲/۳۹	۰/۹۲۰	۳۱	۲/۳۳	۰/۷۱۱
مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی و عمرانی؛	۵۴	۲/۳۰	۰/۸۳۷	۳۱	۲/۲۹	۰/۸۳۹
همکاری و مشارکت روستاییان با یکدیگر در فعالیت‌های کشاورزی و بهبود آن؛	۵۴	۲/۱۳	۰/۸۰۷	۳۱	۲/۱۰	۰/۹۰۸
همکاری و مشارکت روستاییان با یکدیگر در فعالیت‌های غیر کشاورزی؛	۵۴	۲/۲۴	۰/۹۰۵	۳۱	۲/۳۵	۰/۸۵۰
تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی، تشکل‌های مردمی - محلی برای مشارکت بیشتر در توسعه محلی؛	۵۴	۲/۳۲	۰/۸۵۰	۳۱	۲/۱۷	۰/۹۱۳
ایجاد پنگاه‌های خدماتی و اقتصادی؛	۵۴	۲/۴۱	۰/۸۸۰	۳۱	۲/۲۹	۰/۹۰۲
ایجاد و تقویت تشکل‌های محلی؛	۵۴	۲/۳۹	۰/۸۲۰	۳۱	۲/۴۲	۰/۹۰۰
ایجاد و تقویت نهادهای مالی - اعتباری خرد و غیردولتی؛	۵۴	۲/۱۷	۰/۸۷۱	۳۱	۲/۲۹	۰/۸۲۴
ایجاد و تقویت نهادها و گروه‌های کار محلی برای حفاظت از منابع طبیعی؛	۵۴	۲/۲۰	۰/۸۳۳	۳۱	۲/۰۶	۰/۹۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

یافته‌های استنباطی

الف) نتایج حاصل از آزمون کای اسکوئر

ارتباط بین برنامه‌ریزی متخصص محور در مشارکت با سطح توسعه‌یافتگی روستاها

بین دو متغیر برنامه‌ریزی متخصص محور به لحاظ مشارکت ذی نفعان با سطح توسعه‌یافتگی رابطه معناداری در سطح ۱ درصد وجود دارد. به طوری که سطح معنی‌داری ضریب محاسبه‌شده بر اساس آزمون کای دو میان دو متغیر ارتباط بین برنامه‌ریزی متخصص محور در مشارکت با سطح توسعه‌یافتگی در ناحیه مورد مطالعه برابر (p=0.144) می‌باشد. چون سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، رابطه معنی‌دار می‌باشد. در واقع هر چه برنامه‌ریزی بدون مشارکت جامعه انجام شود منجر به ارتقای سطح توسعه نمی‌شود (جدول ۷).

جدول ۷: ارتباط بین برنامه‌ریزی متخصص محور در نوع مشارکت با سطح توسعه‌یافتگی روستاها از دیدگاه روستاییان

شاخص	سطح توسعه‌یافتگی					
	گروه‌بندی	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
خیلی کم	۰	۰	۲	۰	۰	۲
کم	۰	۲۱	۱۱	۱	۰	۳۳
تا حدودی	۰	۵	۱۰	۲	۰	۱۷
زیاد	۱	۰	۱	۰	۰	۲
بسیار زیاد	۰	۲۶	۲۴	۳	۰	۰
جمع کل	۱	۲۶	۲۴	۳	۰	۵۴

df=9 Mont Carlo .sig. (2-sided)=0.144 Pearson Chi-Square=35.701

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ب) نتایج حاصل از آزمون من - ویتنی - یو

مقایسه میانگین پاسخ‌های دو گروه مدیران محلی و کارشناسان درباره شاخص‌های مشارکت و نهادگرایی و تشکل سازی ذی‌نفعان محلی در فرآیند برنامه‌ریزی روستایی منطقه با استفاده از آزمون «من - ویتنی - یو» انجام پذیرفت. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده در جدول ۸، تفاوت معنی‌داری بین نظرات دو گروه پاسخگویان حاصل نشده است که نشان‌دهنده توافق نظر این دو گروه درباره شاخص‌ها بوده است.

جدول ۸: نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها

شماره فرضیه	فرضیه	نوع آزمون	شاخص (U)	سطح معنی‌داری
۱	بین میانگین رتبه‌ای نظرات مدیریت محلی و کارشناسان نسبت به کم‌توجهی مشارکت مردمی در وضعیت کنونی فرآیند برنامه‌ریزی روستایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.	من - ویتنی یو	۷۵۱/۵۰۰	۰/۳۵۶
۲	بین میانگین رتبه‌ای نظرات مدیریت محلی و کارشناسان نسبت به کم‌توجهی نهادگرایی و تشکل سازی در وضعیت کنونی فرآیند برنامه‌ریزی روستایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.	من - ویتنی یو	۷۹۱/۵۰۰	۰/۵۹۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

به این معنی که هر دو گروه بر این اعتقاد دارند که در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها با جامعه محلی مشورت صورت گیرد. همچنین، ارتباط بین مدیران و برنامه‌ریزان با دهیاری و شورای اسلامی برای مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌ها برقرار شود. زمینه تعامل و مشارکت کارشناسان با روستاییان در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی فراهم گردد، قوانین مناسب برای جلب نظر و تضمین مشارکت عمومی و جمعی تدوین گردد. مردم روستا در تصمیم‌گیری‌های مختلف، تدوین برنامه‌ها و اجرای طرح‌ها و شراکت در منافع حاصل از آن‌ها دخالت داده شوند.

نتیجه‌گیری

هم‌زمان با تکامل و اصلاح نگرش به مفهوم توسعه، اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه و درگیرکردن افراد در آن از ابتدا تا انتها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران هنوز مشارکت از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. مشارکت ذی‌نفعان محلی در فرآیندهای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی شرط لازم به شمار می‌آید، از این رو، در یک چارچوب منطقی و منسجم آموزش و آگاهی بخشی به آن‌ها عملیاتی شود تا در این بستر آن‌ها در ابتدا نسبت به حق و حقوق خود، اولویت‌بندی پروژه‌های عمرانی و غیر عمرانی و سایر مسائل مربوطه مطلع شوند تا بتوانند امور مربوط به خود را اداره کنند، محیط خود را کنترل و رفاه را در وضعیت موجود افزایش دهند. همچنین مشارکت ذی‌نفعان محلی توسعه موجب می‌شود تا از دانش بومی، تجارب و مهارت‌های حرفه‌ای آن‌ها در رابطه با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها استفاده شود. در مشارکت فعالانه آن‌ها اهداف و سیاست‌های برنامه‌ریزی برای آن‌ها مشخص و شفاف‌سازی شده است همچنین جریان آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به طرح‌های توسعه، تخصیص اعتبار و میزان آن برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های مختلف توسعه‌ای نیز قرار می‌گیرند و این مسئله اعتماد آن‌ها را بالا برده و آن‌ها را در انجام فعالیت‌ها مصمم می‌کند. در نتیجه چون می‌دانند که مزایای طرح و برنامه کاملاً قرار است به نفع آن‌ها باشد احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در زمینه‌های فعالیت‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی و عمرانی و زیربنایی دارند و انگیزه لازم را برای فراگیری مراحل برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها به دست می‌آورند تا جایی که در انجام کارهای داوطلبانه پیشگام

می‌شوند. علاوه بر این، تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی، تشکل‌های مردمی - محلی می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر ذی‌نفعان محلی در توسعه پایدار محلی را فراهم می‌سازد. مشارکت ذی‌نفعان محلی در سراسر فرآیند برنامه‌ریزی ضروری است. همچنین، توجه به رویکرد ارتباطی برای اطلاع‌رسانی و تعامل و درگیر کردن جامعه و مدیران محلی حائز اهمیت و مورد نیاز است. ذی‌نفعان روستایی به‌طور مستقیم باید از مراحل ابتدایی برنامه‌ریزی در آن مشارکت داشته باشند. اطلاعات نشست‌ها و جلسات در مراحل اولیه شامل: آماده و پیاده‌سازی یک طرح یا برنامه، تبادل اطلاعات در ارتباط با اصول و اهداف توسعه، شنیدن نیازهای جامعه و اولویت‌های آن‌ها، توصیف فرآیند شامل مشارکت جامعه. بعدازآن در فرآیند برنامه‌ریزی نتایج تحقیقات، شناسایی از مسائل، راه‌حل‌های پیشنهادی، سناریوی برنامه‌ریزی، اجرای برنامه و هزینه‌ها ارائه شود و مورد بحث قرار گیرد. مشارکت ذی‌نفعان مستلزم تعهد، شفافیت در فرایندها و در صورت به‌کارگیری درست مشارکت می‌تواند منجر به اجماع، پذیرش پیشنهادها و تسهیل در اجرا شود. یافته‌های میدانی تحقیق نشان داد در ناحیه مورد مطالعه، ۵۴ روستا از شهرستان‌های پاکدشت و ری در پیرامون کلان‌شهر تهران، رویکرد فعلی حاکم بر برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای بوده که در ارتباط با شاخص‌های مشارکت و تشکل‌سازی روستاییان اقدام خاصی صورت نگرفته است. این مقوله با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همچون هریت و همکاران^۱ (۲۰۱۳) و عزیز و همکاران^۲ سال ۲۰۱۴ مطابقت ندارد. با توجه به این که شاخص‌های تشکل‌سازی، تقویت نهادها و گروه‌های کار محلی، و توانمندسازی برای مشارکت ذی‌نفعان محلی توسعه براساس برنامه‌ریزی متخصص محور و از بالا به پایین جایگاه خود را نیافته و پیش‌بینی کننده فرآیند ارتقاء ابعاد و شاخص‌های توسعه پایدار نمی‌باشد؛ تغییر رویکرد در شیوه و عمل برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی و اجرای پروژه‌ها به سمت برنامه‌ریزی اجتماع محور به منظور مشارکت گسترده ذی‌نفعان محلی توسعه از طریق توانمندسازی و ظرفیت‌سازی آنها توصیه این پژوهش است.

منابع

- اوکلی، پیتز؛ کلیتون، اندرو؛ پرت، برایان (۱۳۸۳). ترجمه پیروز ایزدی، علی‌شاه شجاعی، مسعود علیا، توانمندسازی مردم، راهنمایی برای مشارکت، تهران: نشر سروستان.
- ایمانی، علی؛ نیامنش، حیدر؛ رجایی، یدالله (۱۳۷۹). نقش مشارکت مردمی در فرآیند برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی و کشاورزی، سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، ایران.
- رجبی، آزیتا (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه شهری، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۱۱۶-۱۰۱.
- حسن‌پور بغده‌کندی، حسن (۱۳۹۱). وضعیت و جایگاه مشارکت و عوامل مؤثر بر آن در برنامه‌ریزی روستایی (مطالعه موردی: جمعیت روستایی شهرستان بوکان)، سپهر، دوره ۲۱، شماره ۸۱، صص ۸۵-۸۰.
- علی‌الحسابی، مهران (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی (نمونه موردی: بندر لافت)، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۰، شماره ۱۳۴، صص ۴۸-۳۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، قابل دسترسی از طریق سایت: www.amar.org.ir

¹ Harriet et al

² Azizu et al

مرکز تحقیقات اقتصاد ایران (۱۳۸۱). نظام برنامه‌ریزی و توسعه، مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.

محمدی، م. (۱۳۹۲). طرح روابط عمومی و توسعه، گروه توسعه روستایی سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی.

- Akkoyunlu, S. (2015). The potential of rural-urban linkages for sustainable development and trade. *International Journal of Sustainable Development & World Policy*, 4(2), 1-20.
- Al-Kodmany, K. (1999). Using visualization techniques for enhancing public participation in planning and design: process, implementation, and evaluation. *Landscape and urban planning*, 45(1), 37-45.
- Amundsen, S., & Martinsen, Ø. L. (2015). Linking empowering leadership to job satisfaction, work effort, and creativity: The role of self-leadership and psychological empowerment. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 22(3), 304-323.
- Azizu, A. (2014). Stakeholder participation in development planning process in the Yilo Krobo Municipality (Doctoral dissertation, SCHOOL OF GRADUATE STUDIES, KWAME NKRUMAH UNIVERSITY OF SCIENCE AND TECHNOLOGY).
- Cis. (2003). Guidance Document No. 8., Public Participation In Relation To The Water Framework Directive, Produced By Working Group 2.9, Public Participation Department Of Town And Regional Planning, Sheffield S10 2tn.
- Draft Louth County Development Plan 2015-2021, October 2014, Volume 1 Written Statement. Published at: comhairle contae lu louth county council. Available on: <http://www.louthcoco.ie/en/Publications/Development-Plans/>
- Ellis, F., & Biggs, S. (2001). Evolving themes in rural development 1950s-2000s. *Development policy review*, 19(4), 437-448.
- Harriet, T., Anin, E. K., & Asuo, W. (2013). The level of stakeholders' participation in the district education strategic planning towards quality basic education: the case of Salaga Town Council of Ghana. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(14), 95-102.
- Healey, P. (2004). The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe. *International journal of urban and regional research*, 28(1), 45-67.
- Lane, M. B. (2005). Public participation in planning: an intellectual history. *Australian Geographer*, 36(3), 283-299.
- McDonagh, J., Varley, T., & Shortall, S. (Eds.). (2009). *A living countryside? the politics of sustainable development in rural Ireland*. Ashgate Publishing, Ltd.
- Muhammad, H. U., Umar, B. F., Abubakar, B. Z., & Abdullahi, A. S. (2011). Assessment of Factors Influencing Beneficiary Participation in Fadama II Project in Niger State, Nigeria. *Nigerian Journal of Basic and Applied Sciences*, 19(2). 248-252.
- OECD Development Assistance Committee. (2001). *The DAC Guidelines: Strategies for Sustainable Development*.
- Obadire, O. S., Mudau, M. J., Sarfo-Mensah, P., & Zuwarimwe, J. (2013). Active Role of Stakeholders in the Implementation of Comprehensive Rural Development Programme in South Africa. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(13), 273-280.
- Concepts and Issues at Stake. In *Landscape Planning and Rural Development* (pp. 1-12). Springer International Publishing.
- Word Bank, (1994). *The World Bank and Participation*, Washington, Available on: <http://documents.worldbank.org/curated/en/627501467990056231/pdf/multi-page.pdf>